

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی  
۰۷ اپریل ۲۰۱۳

## حکومت اسلامی ایران در پی تشنج تازه با جمهوری آذربایجان!

حکومت اسلامی ایران، برای انحراف افکار عمومی جامعه ایران از واقعیت‌ها و بحران‌های اقتصادی، سیاسی داخلی و بین‌المللی خود، به دنبال تشنج آفرینی تازه در منطقه می‌گردد. آن هم باج خواهی از جمهوری آذربایجان، به دلیل برگزاری یک جلسهٔ اپوزیسیون آذری‌های ایرانی در این کشور است. حکومت اسلامی، بر این تصور واهی است که اگر این تشنج در خلیج فارس روی دهد با وجود حضور نیروهای نظامی امریکائی در این منطقه و دپو شدن سلاح‌های مخرب در شیخ نشین‌های اطراف خلیج، هزینهٔ آن بسیار بالا خواهد بود. از این رو، احتمالاً تئوریسین‌ها و سیاست‌گذاران کلان حکومت اسلامی، به این فکر افتاده‌اند که اگر این تشنج در حوزهٔ دریای خزر و با جمهوری آذربایجان طراحی شود، شاید هزینهٔ اش پائین‌تر خواهد شد.

احتمالاً حکومت اسلامی، بر این تصور باطل است که در صورت بروز درگیری مرزی با جمهوری آذربایجان، روسیه در کنار حکومت اسلامی قرار خواهد گرفت؟!]

تشنج آفرینی جدید حکومت اسلامی و تهدید جمهوری آذربایجان، از آن جا شدت گرفت که روز دهم فروردین [حمل] ۱۳۹۱ برابر با ۳۰ مارچ ۲۰۱۳، از سوی جریانی به نام «جبههٔ آزادی ملی آذربایجان جنوبی»، همایشی با عنوان «فردای آذربایجان جنوبی» در سالون اجتماعات یکی از هتل‌های باکو برگزار شد.

علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، جمهوری آذربایجان را با بیان این که دامن زدن به مباحث تجزیه طلبانه به ضرر باکو تمام می‌شود، ادعا کرده است: «قرار به الحاق باشد، کشور آذربایجان به ایران خواهد پیوست.»

نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفته است: «۱۷ شهر از قفقاز که شهرهای آذربایجان و باکو نیز جزو آن‌ها بوده است در دوران قاجار از ایران جدا شده و مردم آن علاقه مند هستند که به دامن کشورمان بازگردند.»

۱۴ فروردین ۱۳۹۲، «فرارو»، در گفت و گوئی با دیگر اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس، به نقل از یکی از آن‌ها، نوشته است: «مردم جمهوری آذربایجان نیمهٔ دیگر جمهوری اسلامی ایران هستند. مردم آذربایجان از خدا می‌خواهند که به ایران ملحق شوند؛ چون رودخانهٔ ارس، آستارا را از وسط دو نیم کرده است. لذا معلوم است که آن‌ها جدا شده از آستارای ایران هستند.»

حسین شریعتمداری، نمایندهٔ خامنه‌ای در روزنامهٔ کیهان، در واکنش به اقدام اخیر جمهوری آذربایجان در رابطه با برگزاری کنفرانس یک گروه آذری در یکی از هتل‌های باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، نوشته است: «مسئولان

محترم کشورمان می توانند به دولت جمهوری آذربایجان پیشنهاد کنند که الحاق جمهوری آذربایجان به آذربایجان ایران را در میان مردم آن کشور به رفراندوم بگذارند.»

پس از این نیز یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری، ادعا کرده بود که «اگر انتخاب شود تاجیکستان، ارمنستان و آذربایجان را به ایران برمی گردانم!» و...

انگار حکومت اسلامی ایران، آن چنان دستاوردهای عظیمی در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نصیب مردم ایران کرده است و هم اکنون شهروندان این کشور، آن چنان در ناز و نعمت و آزادی و برابری و عدالت اجتماعی غوطه می خورند که مردم منطقه حسرت زیست و زندگی آن ها در حاکمیت جمهوری اسلامی را می خورند و علاقه مند هستند به ایران بپیوندند؟! به قول معروف، قدیم می گفتند: «کسی را در ده راه نمی دادند سراغ کدخدا را می گرفت.»

با نگاهی به مواضع تحریک آمیز و تشنج آفرین این مقامات حکومت اسلامی، به سادگی به این نتیجه می رسیم که حکومت اسلامی، به دلیل وضعیت بحرانی داخل کشور به دنبال تشنج آفرینی در مرزهای کشور است. در واقع چنین اظهارنظرهایی خطرناک و جنگ طلبانه است و از جنبه انسانی و صلح و آرامش و هم چنین حقوق و موازین بین المللی و دیپلماتیک نیز محکوم است.

آیت الله سیدمحمدباقر خرازی، ادعا کرده است: «ناشناخته بودن من برای دنیاست که یکی از مهم ترین پارامترهای نظام است. همان طور که وقتی رهبر معظم، انقلاب را به دست گرفتند دنیا شناخت زیادی از ایشان نداشت. به همین ترتیب ناشناخته بودن من باعث می شود دشمنان نتوانند برای ما برنامه ریزی کنند.»

به گزارش **تریبون مستضعفین**، یک شنبه ۱۵ بهمن [دلو] ۹۱، آیت الله سید محمدباقر خرازی روز گذشته اعلام کرد کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است. او، فرزند **آیت الله سید محسن خرازی** (عضو مجلس خیرگان رهبری) است و برادرش **محمدصادق** و عمویش **کمال خرازی** است که در حوزه سیاست خارجی تجربه بسیار دارند. خواهرش با فرزند رهبری (**مسعود خامنه ای**) ازدواج کرده است.

او، دبیرکل «حزب الله ایران» است و به صورت تشکیلاتی فعالیت می کند. او، مؤسس مدرسه اجتهادیه محسنیه است که در آن به تربیت نیرو اشتغال دارد و گفته می شود بیش از ۲۰۰ نفر طلبه دارد.

او همانند بسیاری از مقامات حکومتی، سخنان مضحک، پوچ و بی معنی و در عین حال خطرناک می زند از این رو، هراز چندگاهی سخنانش مورد توجه رسانه ها قرار می گیرد. او، چندی پیش مدعی شده بود در صدد خرید باشگاه ورزشی منچستر است و قصد دارد نام آن را به خیبیر تغییر نام دهد. چندی قبل نیز اعلام کرده بود شبکه ماهواره ای حزب الله را تأسیس خواهد کرد و موانع تأسیس آن را برطرف کرده ام.

خرازی معتقد است که تنها حضور ولی فقیه کفایت نمی کند و لازم است که اجراء نیز در دست روحانیون و فقها باشد. به گزارش خبرگزاری حزب الله ایران، روز گذشته هم زمان با اعلام کاندیداتوری، با تشریح برنامه های خود برای ریاست جمهوری آینده گفت: «تمام سرزمین های جدانشده از ایران را بدون یک قطره خون ریزی به کشور برمی گردانم.» او، افزود: «دالر را در عرض یک سال به هزار تومان خواهم رساند و در چندماه اول ریاست جمهوری تحریم ها را لغو خواهم کرد.»

بخشی از دیدگاه های این آخوند مرتجع نزدیک به رهبری حکومت اسلامی ایران، پیش از این در گفت و گو با رسانه ها، ادعاهائی به شرح زیر کرده است:

\* ما الان ۱/۵ میلیون عضو رسمی ثبت شده در سراسر کشور از همه اقوام و همه مذاهب داریم. حتی ما در حزب الله یاران مسیحی داریم. نزدیک به ۶۰ هزار نیرو یار داریم که این ها نیرو هائی هستند که کاملاً گزینش و تضمین شده اند، هر کدام شان از نظر اجرائی، آموزش ها و این که چه می خواهند کنند، کاملاً تربیت شده اند.

\* در آینده نزدیک سایت های حزب الله به تعداد ۲۵۰۰ سایت افتتاح می شود. کارهای این سایت ها را انجام داده ایم و هر شهری دارای حزب الله و سایت خبری خواهد بود.

\* بعضی قراردادهای ما قرارداد بسیار سنگینی اند که تا سال ۲۰۵۰ شرکت های خارجی را موظف می کنند تکنولوژی به روز خودشان را در اختیار شبکه هائی که حزب الله دارد قرار دهند.

\* یک تئوری ما در حزب الله این است که به هیچ وجه اعضای حزب نباید فقیر باشند چون ما فقر را مساوی با کفر می دانیم و کفر شیطان است. اگر حزب ما حزب الله است نیروهای حزب الله هم باید پولدار باشند.

\* ما نزدیک ۲۵ سال است که شبانه روز مشغول این کار (نظریه پردازی) هستیم حتی علم اصول فقه جدید ایجاد کردیم.

\* مثلاً به عنوان نمونه آقای ... به عنوان یکی از ورزشکاران فوتبال کشور که بسیار هم فرد لایقی است، در جلسه ای پیش من آمد و من از شکل نوع «بسم الله الرحمن الرحيم» برای ایشان تکنیک فوتبال را در آوردم. ایشان از تعجب گریه کرد و گفت چنین تکنیکی اصلاً وجود خارجی ندارد. ما الان تمام حرف هایمان به صورت مدل ریاضی است و خیلی بالاتر از این حرف داریم. ما اولین کسی بودیم که در کشور مطرح کردیم که نظریه انیشتین مربوط به یک مقطعی از مراتب فزیک است. که در مقاطع دیگر جواب گو نخواهد بود. ما این را از نظر فرمولی ثابت کردیم کسی باور نمی کرد.

\* پروفیسور هاشمی، کسی که نفر پنجم ریاضی جهان است، آمد و وقتی برایش فرمول های ریاضی را از طریق بسم الله الرحمن الرحيم ثابت کردم گریه کرد، حتی ما فلم برداری کردیم. می گفت من ۳۰ سال در دنیا کار علمی و ریاضی کرده ام، این همه رتبه آوردم ولی همان بسم الله الرحمن الرحيم خودمان را نشناختیم. ما هنوز این محتوای درونی دین را بیرون نریخته ایم. کسی باور نمی کند ما در حزب الله چه کرده ایم.

\* الان حزب الله نزدیک به ۷۰۰ جلد کتاب برای سطح عموم آماده چاپ کرده، چیزی نزدیک به ۱۲۰۰-۱۳۰۰ جلد کتاب های تخصصی آماده کرده اما هیچ کدام را منتشر نکرده ایم. منتظر هستیم مبانی فوق تخصصی مان تمام شود و به یک حداقل برسد که خدای ناکرده چیز انحرافی ایجاد نکند. من به شما صریحاً می گویم که هیچ تشکیلاتی در کشور، حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام، حتی سازمان برنامه کشور طرح و برنامه ای که حزب الله در طرح و آمایش [آماده کردن] فرهنگی و اجتماعی و عمرانی تک تک شهرهای ایران ایجاد کرده را ایجاد نکردند. ما الان برای تک تک شهرهای ایران برنامه داریم. طرح آمایش فنی اش را آماده کرده ایم. طرح آمایش اجتماعی اش را آماده کرده ایم که اگر دولت حزب الله تشکیل دهیم یقیناً این ها را به کار خواهیم برد.

\* شما در همین دو سه ماه آینده خواهید دید که با یک میلیون نیروی حزب الله من اولین مانور سنگین و همه جانبه حزب الله را راه اندازی خواهیم کرد و به همه ثابت خواهیم کرد که تشکیلات حزب الله در کشور چقدر قدرت دارد.

\* حزب الله از ۲۲ سال قبل (جذب اعضای خود را) شروع کرد. ما از بچه های مهدکودک شروع کردیم و الان بچه های ما به دوره های دکترا رسیده اند. الان رتبه اول دانشگاه صنعتی شریف در رشته پتروشیمی و رشته های دیگر بچه های مدرسه ما هستند و ما همه این ها را جمع کردیم و پشت پرده کاملاً با این ها ارتباط داریم.

\* برای دبیری بر حزب الله ۱۰ نفر بعد از من هم انتخاب شدند. اگر من بمیرم و به شهادت برسم افراد بعدی به طور منظم، تمام طرح و برنامه های حزب الله برای حداقل صد سال آینده کاملاً تدوین، جلده شده و تایپ شده پیگیری می کنند.

\* ۲۶ سال قبل آقای دکتر حدادعادل و دکتر نجفی به قم آمدند. من آن موقع برای این ها از روایات با فرمول ریاضی ۷۰ مدل در آوردم که هرکسی قبل از دوران جنینی بخواهد بچه ای پیدا کند من مدل فرمولش را به او می دهم. مثلاً شما می گویند من می خواهم بچه دار شوم و بچه ام پولیس شود، من مدل ریاضی اش را به شما می گویم.

\* من الان به عنوان کسی که ۱۸ سال درس خارج می دهم، شهریه ۴۰۰ هزار تومانی دریافت می کنم. تازه من بالاترین رتبه درآمد را دارم.

\* نظام می داند که یک نیروی بسیار قدرت مندی مثل حزب الله در صحنه هست که نه تنها دولت سایه دارد بلکه کادر بسیار عظیمی از نیروهای خبره دارد و این به عنوان پشتوانه بسیار قدرت مندی است. ما به زودی بعضی از واقعیت های حزب الله را بروز می دهیم و به همه ثابت خواهیم کرد که چقدر قدرت داریم و قدرت ما قدرت مردمی است.

\* الان شبکه ماهواره حزب الله را با تمام قواء می خواهیم راه اندازی کنیم چون صداوسیما هیچ گونه همکاری با حزب الله ندارد... حزب الله (تجهیزات فنی) خریده است، کارهایش را هم کرده اند. آن هائی هم که باید اجازه بدهند، اجازه دادند و نیازی به اجازه دولتی ها ندارد... آن کسانی که شرعاً باید از آن ها اجازه بگیریم، آن ها به ما اجازه دادند و نیاز به اجازه کسی دیگر نداریم. مگر آقای مکارم که الان ماهواره دارند از دولت اجازه گرفتند؟ ما هم از همان جائی که ایشان اجازه گرفتند اجازه گرفتیم یا عدم مخالفت ها را گرفتیم.

\* ما اگر بخواهیم دولت حزب الله تشکیل دهیم، حداقل ۱۰ هزار نیروی جوان می خواهیم. من در تعریف ساختار دولت حزب الله نوشتم که ارکان نیروی دولت حزب الله باید جوان های ۲۵ تا ۳۰ ساله باشند اما نه بی تجربه، این ها باید یک دوره آموزش دیده باشند. آموزش های سنگین اجرائی و عملیاتی توسط مشاوران و تمام کسانی که در انقلاب ریش هایشان را سپید کردند. باید تیم های باهوشی شکل بگیرد و بین آن ها رقابت باشد.

\* احساس می کنم اگر از توان سیادت اهل بیت استفاده شود مردم آرامش بیش تری پیدا خواهند کرد. فرق است بین کسی که سیادت دارد و ندارد. به همین دلیل فرزندان اهل بیت در بین مردم ما دارای احترام هستند و شاید همین سبب شود عده زیادی وارد صحنه انتخابات شوند. نکته بعدی ناشناخته بودن من برای دنیاست که یکی از مهم ترین پارامترهای نظام است. همان طور که وقتی رهبر معظم، انقلاب را به دست گرفتند دنیا شناخت زیادی از ایشان نداشت. به همین ترتیب ناشناخته بودن من باعث می شود دشمنان نتوانند برای ما برنامه ریزی کنند...

وزارت امور خارجه تاجیکستان، این مواضع آیت الله سیدمحمد باقر خرازی را محکوم کرد. سایت رسمی وزارت خارجه تاجیکستان، طی بیانیه ای که روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۱، منتشر کرد نوشته است که «۴ فبروری ۲۰۱۳ هم زمان با اعلان نامزدی به مسند رئیس جمهوری اسلامی ایران آیت الله محمد باقری خرازی (طی) شرح برنامه پیش انتخاباتی شان ادعا کرده است که اگر رئیس جمهوری این کشور شود، تاجیکستان، ارمنستان و آذربایجان به ایران بر می گردد... اظهارات وی که از خانواده وزیر سابق خارجه ایران می باشد، باعث تعجب و تأسف دایره های (محافل) گوناگون فرهنگی، سیاسی و جمعیت تاجیکستان شده است.»

در این بیانیه اظهارات خرازی، به عنوان «ماجراجوئی، خامخائی (ساده لوحی)، دسیسه بازی، بی خبر از وضع واقعی امروزی منطقه، جهان و نظام حقوقی» قلمداد شده و «حمله به مفهوم های مقدس استقلال کشوری در قرن ۲۱ و نوعی مداخله در امور کشور صاحب الاختیار (مستقل)» توصیف گردیده است. این بیانیه، اظهارات خرازی را رد و به شدت محکوم کرده است.

در همین زمینه خبرگزاری «اینترفکس روسیه»، در تماسی با وزارت خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان واکنش رسمی این کشورها به سخنان آیت الله خرازی را جویا شده است.

یک مقام وزارت خارجه ارمنستان به این خبرگزاری گفته است که سخنان آیت الله خرازی را جدی نمی‌گیرد و امیدوار است که «روند انتخابات، وی را جدی‌تر کند.»

انلمان عبدالله اف، معاون وزیر خارجه آذربایجان نیز در پاسخ به خبرگزاری اینترفکس روسیه گفته است که دولت باکو قصد ندارد در مقابل چنین اظهارات «مضحک و نامعقولی» موضع بگیرد.

اظهارات آیت الله خرازی اگرچه در محافل و رسانه‌های رسمی و نیمه رسمی آذربایجان بازتابی نیافت، اما برخی رسانه‌های مستقل اظهارات او را منتشر کردند.

پورتال «سلام نیوز» که معمولاً اخبار سفارت و محافل دیپلماتیک ایران در آذربایجان را منتشر می‌کند، طی گزارشی که روز چهارشنبه منتشر کرد نوشت: «بر اساس نتایج تحقیقاتی که خبرنگاران این رسانه انجام داده‌اند، آیت الله خرازی دچار بیماری روانی است، به طوری که در خیال خود رهبری یک تشکیلات بین‌المللی به نام حزب الله جهان را اداره می‌کند و چندین رسانه جهانی نیز تحت امر وی فعالیت می‌کند.»

علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، که خود در رابطه با دزدی سه میلیاردی تحت بازجویی نیز قرار گرفته است، در گفت و گو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری خانه ملت، ۱۴ فروردین ۱۳۹۲، در واکنش به برگزاری جلسه یک گروه سیاسی آذری در باکو، گفته است: «متأسفانه مدتی است به دلیل نفوذ امریکائی‌ها و صهیونیست‌ها شاهد زرمه‌هایی از آذربایجان، کشور اسلامی همسایه هستیم.»

این نماینده بروجرد در مجلس شورای اسلامی، افزوده است: «اگر قرار بر صورت گرفتن تحولی باشد باید آن چه از ایران جدا شده به جای خود برگردد و آذربایجان نیز باید به ایران، سرزمین مادری خود بپیوندد و قطعاً خلاف آن اتفاق نخواهد افتاد.»

او، با تأکید بر این که اجازه برگزاری این گونه جلسه‌ها به نفع دولت مردان آذربایجان نیست، ادعا کرده است: «قطعاً هموطنان آذربایجانی با توجه به دیدگاه اسلامی خود علاقه مند به زندگی در یک نظام اسلامی بوده و نسبت به این اقدامات علاقه‌ای نشان نخواهند داد.»

منصور حقیقت پور نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، در گفت و گو با خبرگزاری فارس، در خصوص «اقدام سخیف» اخیر دولت مردان آذربایجان، گفت: «جریانی به راه افتاده است تا ۱۷ شهر قفقاز از جمله آذربایجان به کشورمان ملحق شود که امیدواریم با همراهی مردم و حمایت همه جانبه دستگاه‌های بین‌المللی این امر محقق شود.

او، به «واکنش ضعیف دولت مردان کشورمان» به اظهارات اخیر مسوولان آذربایجان اشاره کرد و یادآور شد: «حق مطلب آن گونه که شایسته بود ادا نشد و به طور جدی با برخی اظهارات سخیف دولت مردان آذربایجان برخوردی صورت نگرفت.»

نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، خاطر نشان کرد: «جوانان غیرتمند اردبیل، تبریز، ارومیه و زنجان آماده هستند تا اقدامات مزورانه دولت مردان آذری را پاسخی قاطع داده و آمادگی خود را برای بازپس‌گیری شهرهای به یغما رفته ایران در دوران قاجار اعلام کنند.»

حقیقت پور، گفت: قرار است جلسه‌ای نیز در این زمینه در منطقه قفقاز انجام شود و جریان الحاق ۱۷ شهر این منطقه به کشورمان یک جریان جدی است چرا که در نهایت حیل و نیرنگ، این ۱۷ شهر که شهرهای آذربایجان و باکو نیز جزو آنها بوده است در دوران قاجار از ایران جدا شده و مردمان آن علاقه مند هستند که به دامن کشورمان بازگردند.»

وی در پاسخ به این سؤال که امکان چنین الحاقی تا چه حد میسر است، عنوان کرد: «خواست و اراده مردم می‌تواند همه کارها را سهولت بخشد که در این زمینه امیدواریم در وهله اول آذربایجان و بعد شهرهای دیگر به دامن افتخارآمیز کشورمان بازگردند.»

رئیس مجمع نمایندگان شمال غرب کشور، در بخش دیگری از سخنان خود «به پشت پرده برخی تحرکات در کشور آذربایجان با همراهی رژیم صهیونیستی و امریکا» اشاره کرد و به خبرنگار فارس در اردبیل، بیان داشت: «این رژیم های بیگانه به ریش دولت مردان آذربایجان می خندند و آن ها را ضعیف تر از آن می دانند که ۲۰ درصد از اراضی تحت اشغال این کشور در دست ارمنی ها را بتوانند آزاد کنند.»

حقیقت پور، با اشاره «به ناتوانی دولت مردان و مسؤلان کشور آذربایجان در باز پس گیری این میزان اراضی به یغما رفته»، افزود: «جرات آن ها به حدی پائین است که حتی در خرید اسلحه از بیگانگان تضمین می دهند که از این سلاح ها علیه ارمنی ها برای آزادی قره باغ استفاده نکنند.»

او، سطح روابط ایران با آذربایجان را ضعیف و پائین تر از میانگین متوسط توصیف کرد و گفت: «قطعاً توسعه روابط به ضرر آن هاست که هر روز به کاهش روابط فکر می کنند و به دلیل ترس و واهمه ای که از ایران دارند حتی در لغو روایت در توسعه با جمهوری اسلامی ایران به حيله گری و مکاری روی آورده اند.»

اما محمد صالح جوکار عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت و گو با فرارو، گفت: «در این گونه مسائل باید به سوابق تاریخی و قراردادهائی که از گذشته میان حکومت های وقت تدوین و امضاء شده است مراجعه کرد.»

او، ادامه داد: «بحث های مختلفی وجود دارد که برخی قراردادها به پایان رسیده و باید آن بخش از خاکی که از کشور جدا شده به ایران بازگردانده شود. این مسائل جنبه حقوقی دارد و ما باید در مجامع بین الملل پیگیر حقوق حقه خود شویم و لذا بعید است با طرح این مسائل در رسانه ها به نتیجه برسیم و بیش تر باید از مجاری قانونی و حقوقی این مسائل را پیگیری کنیم.»

جوکار، در پاسخ به این سؤال که آیا پیشنهاد برگزاری رفراندوم به یک کشور جهت الحاق به کشور همسایه خود مورد تأیید جناب عالی است؟، گفت: «در این باره نمی دانم چه بگویم. به نظر من امروزه انجام هر کاری در عرصه سیاست خارجی و بین المللی باید بر اساس قوانین و ضوابط باشد و مسائل حقوقی در نظر گرفته شود.»

او، ادعا کرد: «خواست ملت آذربایجان برای الحاق به ایران باید از طریق مجامع بین المللی دنبال شود.» هم چنین صفر نعیمی، دیگر عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت و گو با فرارو، گفت: «در گذشته جمهوری آذربایجان بخشی از خاک ایران محسوب می شد و کشور ایران به عنوان آسیای صغیر مطرح بود؛ اما از آن زمان مدت ها گذشته است.»

او، ادامه داد: «این که در حال حاضر این صحبت ها بتواند به واقعیت تبدیل شود از نگاه سیاسیون عقلانی نیست. افراد عوام که از الفبای سیاست هیچ نمی دانند می گویند این کار شدنی است؛ اما جمهوری آذربایجان اکنون کشوری نیست که اختیار آن در دست خودش باشد و به راحتی بتواند تصمیم بگیرد.»

این نماینده مجلس، با بیان این که جمهوری آذربایجان بازچه دست کشورهائی است که با جمهوری اسلامی عناد دارند گفت: «لذا اگر دولت مردان آذربایجان هم بخواهند چنین کاری انجام دهند (برگزاری رفراندوم جهت الحاق به ایران)، کشورهائی که در آذربایجان نفوذ دارند از جمله ترکیه، اسرائیل، امریکا و عربستان اجازه نخواهند داد که جمهوری آذربایجان هماهنگ و همساز با ایران شود.»

نعیمی، در پاسخ به این سؤال که آیا به نظر شما خواست ملت آذربایجان الحاق به ایران است؟، گفت: «مردم آذربایجان نیمه دیگر جمهوری اسلامی ایران هستند. مردم آذربایجان از خدا می خواهند که به ایران ملحق شوند؛ چون رودخانه ارس، آستارا را از وسط دو نیم کرده است. لذا معلوم است که آن ها جدا شده از آستارای ایران هستند.»

او، تأکید کرد: «مردم آذربایجان برای الحاق به ایران تمایل دارند؛ اما اختیار حاکمان آذربایجان در دست خود آن ها نیست که به راحتی بتوانند تصمیم بگیرند و این اقدام را انجام دهند.»

روزنامه کیهان نیز که زیر نظر مستقیم خامنه ای به سردبیری شریعتمداری اداره می شود «خواستار برگزاری رفراندوم الحاق جمهوری آذربایجان به ایران شد.»!

حسین شریعتمداری، این شکنجه گر با سابقه زندان اوین در کیهان خود، نوشته است: «در این همایش که علاوه بر تعدادی از اعضای این جریان، برخی از مقامات و شخصیت های سابق جمهوری آذربایجان نیز حضور داشتند، ادعاهای سخیف و کودکانه ای علیه حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده بود و احضار سفیر جمهوری آذربایجان از سوی معاون محترم آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه کشورمان در اعتراض به برپائی این همایش صورت پذیرفته بود. ایشان درباره علت احضار سفیر جمهوری آذربایجان گفته است «در حالی که جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است روابط دو کشور در مسیر پیوندهای عمیق دو ملت تداوم یابد، انجام این گونه اقدامات می تواند آسیب جدی به روند مثبت و رو به توسعه روابط فیما بین وارد کند...»

کیهان، در این مورد ادعاهائی را به شرح زیر پیش کشیده است: «۱- جمهوری آذربایجان نزدیک به ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد که اکثریت نزدیک به تمامی آن ها مسلمان و شیعه هستند و پیوندهای عمیق فرهنگی و عقیدتی با مردم آذربایجان ایران دارند.

... ۴- مسؤولان محترم کشورمان می توانند به دولت جمهوری آذربایجان پیشنهاد کنند که الحاق جمهوری آذربایجان به آذربایجان ایران را در میان مردم آن کشور به رفراندوم بگذارند. این ابتدائی ترین گام در تحقق دموکراسی و مردم سالاری است. نتیجه اما، از هم اکنون به آسانی و با قاطعیت قابل پیش بینی است و یا، خواسته واقعی آنان برای تشکیل یک نظام اسلامی شبیه جمهوری اسلامی ایران را از طریق یک رفراندوم با دو گزینه «آری» و «نه» جویا شوند. آن چه در میان مردم شریف جمهوری آذربایجان جریان دارد به وضوح نشان می دهد که آن ها در گام اول خواستار الحاق به ایران اسلامی هستند و اولویت دوم را در تشکیل یک نظام اسلامی با ساختاری برگرفته از ساختار جمهوری اسلامی ایران می دانند.»

از شریعتمداری و رهبر آدم کش شان باید سؤال کرد که آیا حقوق مردم کردستان، آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و... را به رسمیت شناخته اید؟ چرا در این مناطق با هدف این که آیا این مردم سرکوب شده و تحت ستم علاقه دارند در حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی کنند و یا مستقل باشند، رفراندوم برگزار نمی کنند؟ بلانی که حکومت جانی اسلامی در این سی و چهار سال سر مردم ایران آورده است نه تنها باعث فرار اجباری حدود سه تا پنج میلیون از شهروندان ایرانی به خارج کشور شده است؛ بلکه با سیاست های شوونیستی و فاشیستی خود نیز وضعیتی در میان اقلیت های ملی کشور به وجود آورده که از آن نفرت دارند. به علاوه شکل گیری گرایشات ناسیونالیستی و بعضاً افراطی در میان مردم اقلیت های ملی کشور، محصول عملکردهای فاشیستی و جنایت کارانه حکومت اسلامی در قبال اقلیت های ملی کشور است. حکومت اسلامی در این سی و چهار سال حاکمیت خونین خود، از جمله هر خواست علانیه و به حق مردم مناطق غیرفارس را به بهانه «تجزیه طلبی» به وحشیانه ترین شکلی سرکوب کرده است. در حال حاضر استان هائی چون کردستان، خوزستان و سیستان بلوچستان و آذربایجان تهدیدها و دستگیری ها و اعدام ها بسیار بالاتر از مناطق دیگر کشور است. در عین حال در این مناطق، محرومیت و بی کاری و فقر غوغا می کند. چرا که حکومت آگاهانه با سیاست های فاشیستی و تبعیض آمیز خود، مردم این مناطق را در محاصره اقتصادی و تهدیدهای پولیسی و میلیتاریستی مداوم قرار داده است. مردم خوزستان، روی دریائی از منابع نفت و گاز خوابیده اند و شاهرگ اقتصادی کشور نیز در این منطقه در جریان است اما مردم آن جا، هر روز فقیر و فقیرتر می گردند. چرا باید مردم



مناطق غیرفارس در ایران، حتی از تدریس زبان ماردی شان در آموزش و پرورش محروم باشند در حالی که استفاده از زبان مادری حق مسلم هر ملتی است!

سخنان این مقامات حکومت اسلامی، بیش تر به سخنان مارگیرها و معرکه گیرها و گردنه گیرها شباهت دارد تا واقعیت ها و مواضع سیاسی. اما چنین مواضعی برای جامعه ایران بسیار خطرناک و پرهزینه است. در حکومت اسلامی ایران، دروغ و تزویر و ریاکاری و توطئه گری و قلدری و خشونت طلبی و جنگ طلبی و سیاست های تروریستی و آدم کشی و باج گیری واقعیت های غیرقابل انکاری هستند. چرا که این حکومت در سی و چهار سال حاکمیت خونین خود، عملاً ثابت کرده است که در وحشی گری و آدم کشی و ریاکاری و سناریوسازی هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناسد و هم چنان عنان گسیخته علیه انسانیت، عشق، دوستی، همبستگی، آزادی، آرامش و امنیت صلح می تازد.

در این حکومت جانی و تبهکار، از رهبری و رئیس جمهوری گرفته تا رؤسای قوای قضائیه و مقننه تا مجریه، از شورای نگهبان تا مجلس شورای اسلامی؛ از سپاه و بسیج گرفته تا نیروهای انتظامی و ارتش، از لباس شخصی ها گرفته تا وزارت اطلاعات؛ از حزب الله گرفته تا سربازان گمنام امام زمان با همین ادعاهای پوچ و مزخرف و بی معنی و خرافی، اکثریت مردم جامعه ۷۷ میلیون ایران را به خاک سیاه نشانده اند؛ میلیون ها انسان بی کاراند و بدون این که از بیمه بی کاری برخوردار باشند؛ خانواده های کارگری، حتی توان تأمین نیازهای روزانه خود را نیز ندارند؛ گرانی و تورم روزافزون و کمرشکن شده است؛ ده ها هزار انسان را اعدام و ترور و یا زیر تجاوز و شکنجه کشته اند؛ زندان هایشان مملو از زندان سیاسی و اجتماعی است؛ نصف شهروندان جامعه، یعنی زنان، حتی از ابتدائی ترین حقوق خود نیز محروم اند؛ هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران غیرخودی و مستقل، در حاکمیت نمایندگان خدا کم ترین امنیت شغلی و حتی جانی ندارند و آثارشان همواره به تیغ سانسور سپرده می شود؛ ارگان های پولیسی - امنیتی حکومت، در خصوصی ترین امور زیست و زندگی شهروندان دخالت و جاسوسی می کنند؛ کودکان را در معرض انواع و اقسام فجایع و آسیب های اجتماعی قرار داده اند؛ هر روز از ظهور امام زمان دم می زنند به طوری که اخیراً گفته اند ۲۰ امام زمان تقلبی را دستگیر کرده اند! در این میان معلوم نیست امام زمان های واقعی چه موجوداتی هستند؟! نهایتاً سران و مقامات حکومت اسلامی، اگر برای مردم امام زمان و بهشت و جهنم و خرافات و مشغله های کاذب می تراشند خودشان در این دنیای خاکی، تنها دین و ایمان و امام زمان شان پول و دزدی و چپاول اموال عمومی و ثروت اندوزی و حفظ قدرت و حاکمیت ارتجاعی شان چیز دیگری نیست.

البته باید تأکید کنم که حکومت اسلامی، هیچ گلی نیز به سر مردم فراس زبان نزده است و آن ها را نیز هم چون مردم مناطق دیگر کشور سرکوب و استثمار می کند. در اجرای سیاست های فاشیستی حکومت اسلامی، مردم فارس زبان نه نقشی دارند و نه مقصراند. بنابراین، کسانی و گرایشاتی که در سیاست ها و تبلیغات خود ستم بر غیرفارس ها را به مردم فارس زبان نسبت می دهند سخت در اشتباهند و با این سیاست های ناسیونالیستی خود، آگاهانه و ناآگاهانه به مبارزه همبسته و متحد شهروندان ساکن ایران علیه کلیت حکومت اسلامی، لطمه می زنند.

بی تردید سران و مقامات حکومت اسلامی به خوبی می دانند چنین اظهارنظرهای ماجراجویانه هزینه دارد به طوری که در برخی مواقع به جنگ و خونریزی نیز منجر می گردد. بنابراین، سؤال این است که آن ها چرا چنین مواضعی اتخاذ می کنند؟ از نظر من، جواب این سؤال به سادگی این است که حکومت اسلامی ایران، تا خرخره در بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و دیپلماتیک فرورفته است. در چنین شرایطی، به باور سران حکومت اسلامی، یک درگیری محدود و کوچک مرزی می تواند برای دوره ای هم شده افکار عمومی داخلی و بین المللی را به خود جلب کند و فضائی برای حکومت اسلامی به وجود آورد تا در پرتو آن، از یک سو هرچه شدیدتر و عریان تر مخالفان را قلع و



قمع نماید و از سوی دیگر، حاکمیت را یک دست نماید. به خصوص این شرایط بهترین فرصت و موقعیت طلائی را برای خامنه ای و سپاه و بسیج به وجود می آورد که تعارفات موجود را کنار بگذارند و یک حکومت نظامی گوش به فرمان رهبر را به قدرت برسانند و کسانی را که در درون حاکمیت غرغر و سهم خواهی می کنند، به طور کلی کنار بزنند.

سران حکومت اسلامی، هم چنین بر این تصوراند که اگر درگیری مرزی با جمهوری آذربایجان به وجود آورد علاوه بر این که افکار عمومی داخلی را به یک مسأله خارجی سوق می دهند در عین حال احساسات مذهبی و ناسیونالیستی مردم ایران و آذربایجان را نیز در راستای اهداف و سیاست های پلید خود تحریک و کانالیزه می کنند.

البته ناگفته نماند که خصومت و دشمنی حکومت اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان، ربط مستقیمی به برگزاری یک کنفرانس توسط گروهی از مخالفان آذری های آذربایجان ایران در خارج کشور و باکو ندارد. سال هاست که حکومت اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بر سر تقسیم منابع زیرزمینی حوزه دریای خزر، تأثیرگذاری گرایشات سکولار مردم جمهوری آذربایجان بر مردم استان های آذربایجان ایران، طرفداری حکومت اسلامی از ارمنستان در جنگ آذربایجان و ارمنستان بر سر مناقشه قره باغ و هم چنین حمایت و پشتیبانی حکومت اسلامی ایران از گروه های اسلامی جمهوری آذربایجان، همواره در حال مناقشه و کشمکش با همدیگر هستند.

اما اگر سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، بر این تصور هستند که می توانند در کوتاه مدت و برق آسا درگیری مرزی و موضعی با جمهوری آذربایجان درست کنند و به اهداف غیرانسانی خود برسند سخت در اشتباهند. اولاً مهم نیست جنگ را که و چگونه و در چه سطحی آغاز می کند! مهم آن است که ابعاد آن به کجاها کشیده می شود؛ در رابطه با آن چه صف بندی و جبهه گیری داخلی و منطقه ای و جهانی شکل می گیرد. به عبارت دیگر حکومت اسلامی می تواند یک درگیری سریع و کوتاه مدت را در مرزهای آبی و خاکی خود با جمهوری آذربایجان برنامه ریزی کند اما فضای جهانی و منطقه ای علیه حکومت اسلامی آن قدر بالا و گسترده است که بلافاصله یک اجتماع جهانی و منطقه ای در دفاع از جمهوری آذربایجان علیه ایران شکل خواهد گرفت و تر و خشک را با هم خواهد سوزاند.

دولت سکولار سرمایه داری جمهوری آذربایجان، رابطه اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک بسیار نزدیک و حسنه ای با ناتو، اتحادیه اروپا، دولت امریکا، ترکیه، اسرائیل و... دارد. از این رو، هرگونه تجاوز مرزی به این جمهوری، می تواند به یک جنگ تمام عیار خونین و فاجعه باری در منطقه تبدیل شود و تر و خشک را با هم بسوزاند.

به علاوه حکومت اسلامی ایران، غلط می کند به دلیل برگزاری همایش یک گروه اپوزیسیون در این کشور، این چنین دست به ارباب و تهدید بزند. بنابراین، این نوع اظهارات و اقدامات و طرح ها و نقشه های جنگ طلبانه حکومت اسلامی، ماجراجویانه و خطرناک برای کل جامعه ایران است و باید شدیداً محکوم گردد!

به این ترتیب، ضروری است که علیه این عریبه کشی ها و سیاست های جنگ طلبانه حکومت اسلامی، یک افکار عمومی قوی در داخل و خارج کشور شکل بگیرد. نباید اجازه داد سران و مقامات حکومت اسلامی، هنگامی که حکومت شان از سوی اکثریت کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، فعالان محیط زیست، حقوق بشر، وکلاء، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان، هنرمندان و روشنفکران در معرض خطر سرنگونی قرار گرفته و خود را در حال غرق شدن در بحران های اقتصادی و سیاسی اش می بیند به این شکل دست به ماجراجویی بزند و جامعه ایران را نیز با خودش به قعر باتلاق ویرانگری که خودش درست کرده، ببرد.

جمعه شانزدهم فروردین [حمل] ۱۳۹۲ - پنجم اپریل ۲۰۱۳